کودتای ۲۸ مرداد

اسناد و اظهارات مقامات آمریکایی و انگلیسی

ادامه از صفحه اول

ب- خاطرات و تحلیل‌های داخلی سیا

۱- خاطرات تفصیلی کرمیت روزولت، رئیس ایستگاه سیا در تهران در ۱۳۳۲، با عنوان «ضدکودتا، مبارزه برای کنترل ایران» در ژانویه ۱۹۷۹ (یک ماه قبل از انقلاب) منتشر شد. روزولت ازجمله در این کتاب می‌گوید بعد از رفع تردیدهای هندرسن، سفیر آمریکا در تهران، طرح عملیاتی تی‌پی‌آژاکس در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۳ به نشست مشترک وزارت خارجه و سیا ارائه و با اتفاق آرا تصویب شد. وی در مقدمه کتابش می‌گوید شاه به او گفته بود: «من تاج و تختم را به خدا، مردمم، ارتشم و تو مدیونم».

۲- «گزارش ویلبر» یک گزارش داخلی سیا در ۲۰۰ صفحه است که در مارس ۱۹۵۴ توسط دونالد ویلبر، طراح اصلی کودتا، نوشته شده بود و در ۱۶ آوریل ۲۰۰۰ به نیویورک‌تایمز درز کرد و منتشر شد. این گزارش بسیار مهم و تفصیلی است و دوره ۱۰ماهه طراحی و اجرای کودتا از نوامبر ۵۲ یعنی بعد هماهنگی دو دولت محافظه‌کار چرچیل و آیزنهاور تا اوت ۵۳ را پوشش می‌دهد. گزارش حاوی جزئیات روز به روز و ساعت به ساعت عملیات است. در آن ازجمله گفته شده که چگونه هفته‌ای صد هزار تومان خرج خریدن نمایندگان مجلس می‌شد. این گزارش که در ماه‌های بعد از کودتا برای استفاده مأموران سیا در عملیات آینده نوشته شده، حاوی جزئیات دقیقی از عملیات نظامی و بسیج اوباش برای کودتاست.

۳- «کارزار برای روی کار آوردن یک دولت طرفدار غرب در ایران» تاریخچه کوتاه چهارصفحه‌ای داخلی سیا در مورد کودتاست که از محرمانه خارج شده است. یک صفحه کامل این گزارش و بندها و برخی خطوط دیگر آن حذف شده‌اند. اگرچه تاریخ ندارد، اما ظاهرا ظرف یک سال بعد از کودتا نوشته شده است. در این سند به «اقدامات سیا» در چهار محور پرداخته شده: ۱- «تقویت اراده شاه برای صدور فرمان برکناری مصدق»، ۲- هماهنگ‌کردن تلاش‌های مخالفان مصدق، ۳- تبلیغ دروغ‌بودن میهن‌پرستی مصدق از طریق تبلیغ همکاری او با کمونیست‌ها و جاه‌طلبی شخصی او (بخشی از این قسمت حذف شده) و ۴ - محور چهار تماما حذف شده است.

۴- «مبارزه برای ایران» یک تاریخچه داخلی دیگر سیاست که در اواسط دهه ۱۹۷۰ برای استفاده در داخل سیا نوشته شده و حاوی شرحی در مورد دو عملیات آژاکس توسط سیا و چکمه توسط ام‌آی۶ انگلیس برای کودتاست. این سند که در دو نوبت ۱۹۸۱ و ۲۰۱۱ از محرمانه خارج شد، در هر دو نوبت قسمت‌های وسیعی از بخش مربوط به عملیات سیا حذف شده است. گزارش حاوی بخشی از پرونده‌های مکاتبات کیم روزولت و اطلاعاتی در مورد اقدامات سیا قبل و بعد از عملیات بود. در این سند تأیید شده که اکثر فایل‌های مربوط به کودتا در ۱۹۶۲ معدوم شده‌اند. در این تحلیل داخلی اذعان شده «کودتای نظامی که مصدق و دولت جبهه ملی را سرنگون کرد، تحت مدیریت سیا و به‌عنوان یک اقدام سیاست خارجی که به تصویب بالاترین سطوح دولت آمریکا رسیده بود، انجام شد». ۵- «زنده‌باد شاه» گزارش ۸۶صفحه‌ای دیگری است که توسط یک مورخ داخلی سیا به نام اسکات کاچ (Scot Koch) در ژوئن ۱۹۹۸ نوشته شد و در نوامبر ۲۰۱۷ از محرمانه خارج شد. بخش‌های بسیار زیادی از این گزارش، ازجمله ۱۵ صفحه مربوط به روز کودتا و دو، سه روز قبل از آن حذف شده است. در این گزارش نیز تأیید شده که در سال ۱۹۶۲ «بخش عمده فایل‌های مربوط به عملیات آژاکس» نابود شد. اسکات کاچ در این سند تصریح می‌کند: «نقش سیا مهم بود. بدون رهبری، هدایت و توانایی‌هایی کرمیت روزولت برای تقویت بازیگران کلیدی که همواره مترصد کناره‌گیری بودند، هیچ‌کس علیه مصدق اقدام نمی‌کرد».

ج- اسناد آمریکا در مورد کودتا

آمریکا از ۱۹۸۹ به بعد به خاطر الزام قانونی ناشی از قانون آزادی اطلاعات و طرح دعاوی توسط پژوهشگران، حرکتی تدریجی اما محدود و کنترل‌شده را برای انتشار اسناد کودتا با وجود مخالفت انگلیس شروع کرد. با وجود الزام قانونی دولت آمریکا و سقف ۲۵ساله برای انتشار اسناد محرمانه، ۶۰ سال طول کشید تا دولت به حکم دادگاه اولین سری از اسناد واقعی مربوط به کودتا را در ۲۰۱۳ از محرمانه خارج کند. مراکز تحقیقاتی آمریکا از دهه ۱۹۷۰ شروع به تلاش از طریق دادگاه برای این منظور کرده بودند و نهایتا اقدام قضائی مراکز پژوهشی به‌ویژه آرشیو امنیت ملی دانشگاه جورج تاون در ۱۹۹۹ علیه سازمان سیا نتیجه داد. و به گفته مالکوم بیرن Malcolm Byrne رئیس پروژه جورج تاون، آمریکا به سه دلیل مقاومت می‌کرد: صیانت از منابع و روش‌ها، صیانت از عوامل ایرانی و حفظ رابطه با ام‌آی۶ که مخالف افشای اسناد بود. سازمان سیا حتی تا حد نابودکردن بخش عمده‌ای از اسناد کودتا علیه مصدق برای احتراز از انتشار آنها پیش رفت. در پی افشای خبر سوزانده‌شدن بخش عمده اسناد کودتا از سوی یک پژوهشگر، نهایتا برایان لاتل Latell مسئول مرکز مطالعات اطلاعات محرمانه در سیا تأیید کرد «اکثر سوابق مربوط به کودتا در ایران در دهه ۱۹۶۰ نابود یا گم شدند». این موضوع در گزارش اسکات کاچ نیز تأیید شده است. سرانجام یک جلد از اسناد کودتا در ۱۹۸۹ منتشر شد. این اسناد که مربوط به اوایل دهه ۱۹۵۰ و از سری FRUS بود، کاملا گزینشی بود و شامل هیچ سند مربوط به عملیات سیا نبود و در اسناد منتشرشده نیز هر ردی درباره عملیات سیا حذف شده بود. پژوهشگران از این بابت بسیار معترض شدند و اسناد را یک تقلب خواندند. کنگره تحت فشار افکار عمومی قانونی تصویب کرد که اسناد FRUS که منتشر می‌شوند، باید «شامل سوابق کامل، دقیق و قابل اتکا» باشند. ۱۴ سال دیگر طول کشید تا در شصتمین سالگرد کودتا در ۲۰۱۳ مجموعه دیگری از اسناد که دولت آمریکا پیرو حکم قضائی در اختیار دانشگاه جورج تاون قرار داده بود، منتشر شد. این اسناد اگرچه صراحت داشت که عملیات کودتا را طراحی و هدایت کرده، اما همچنان بخش‌های مهم آن به‌ویژه بخش‌های عملیاتی به نحوی گسترده حذف شده بود. گام مهم‌تر آمریکا در اوت ۲۰۱۷ برداشته شد که طی آن اسنادی شامل ۹۷۰ صفحه منتشر شد. رسانه‌های بین‌المللی از این اسناد به‌عنوان اولین اقرار سیا به انجام کودتا علیه دولت مصدق تعبیر کردند. این اسناد حاکی از مخالفت انگلیس با انتشار هر سندی درباره کودتا است. این اسناد حاوی مطالب جالبی ازجمله رد این ادعای تبلیغاتی که گویا حزب توده تهدیدی جدی بوده (سند شماره ۲۵۹ تاریخ ۱۲ اوت ۵۳) است. سند دیگری نشان می‌دهد که مأموران سیا تیمسار زاهدی را از صبح دوشنبه ۲۶ مرداد در اختیار داشته و در زیرزمین یک خانه نزدیک سفارت مخفی کرده بودند و ساعت ۴ بعدازظهر روز ۲۸ مرداد و بعد از پیروزی کودتا، او را از همان خانه برای سخنرانی به رادیو می‌برند. (سند شماره ۳۰۷ مورخ ۲۸/اوت/۵۳) البته بخش وسیعی از این اسناد همچنان حذف شده است. ازجمله از یک صورت‌جلسه در مقر سیا در واشنگتن درباره عملیات روز کودتا بیش از صد خط حذف شده است. با وجود اسنادی که تاکنون از طرف آمریکا منتشر شده، به گفته مالکوم بیرن، اشتباه است اگر تصور کنیم که شرح عملیات کودتا به طور کامل از محرمانه خارج شده است. نه‌تنها چنین نیست بلکه بخش‌های مهم سوابق همچنان محرمانه باقی مانده و همین موجب آشفتگی و ابهام شده است. علاوه بر انتشار اسناد در سه تاریخ اشاره‌شده، ۳۵ سند دیگر نیز به طور پراکنده منتشر شده است. یکی از این اسناد که گزارش مورخ ۱۶ ژوئیه ۵۳ است، حاوی شرح اقدامات کرمیت روزولت برای تشویق نمایندگان به تحصن علیه مصدق و پرداخت پول به آنهاست.

۲- نحوه برخورد انگلیس

نه‌تنها سیاست رسمی و همیشگی انگلیس درباره کودتا تاکنون «نه تأیید، نه تکذیب» بوده، بلکه بر مبنای اسناد منتشرشده از طرف آمریکا، انگلیس همواره کوشیده تا مانع انتشار اسناد محرمانه آمریکا درباره کودتا، به‌ویژه بخش‌های مرتبط با انگلیس شود. قانون آزادی اطلاعات (۲۰۰۰) انگلیس حاوی استثناهایی درباره امور اطلاعاتی است که به دولت امکان داده تا در برابر انتشار اسناد انگلیس در زمینه کودتا مقاومت کند.

اظهارات مقامات انگلیسی

جک استراو، اولین و تنها سیاست‌مدار شاغل انگلیسی بود که در مقام وزیر خارجه در فوریه ۲۰۰۶ به کمیته سیاست خارجی مجلس عوام گفت «عناصری از دستگاه اطلاعاتی انگلیس و سازمان سیا یک نخست‌وزیر کاملا دموکراتیک یعنی مصدق را سرنگون کردند». او در کتاب خود، (کار، کار انگلیسیا است) به این سابقه اشاره کرده است. جک استراو بعد از بازنشستگی نیز بارها راجع به کودتا و نقش انگلیس در آن صحبت کرد. او ازجمله در ۲۰۰۹ راجع به نقش انگلیس در سرنگون‌کردن مصدق به‌عنوان یکی از «مداخلات» عدیده در امور ایرانیان در قرن بیستم سخن گفت. دنیس رایت، دیپلمات انگلیسی، که در بهمن ۱۳۳۲ به‌عنوان کاردار و برای بازگشایی سفارت انگلیس به تهران آمده بود و بعدا از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱ نیز سفیر انگلیس در تهران بود، در یک سخنرانی که متن آن در نشریه Asian Affairs نیز منتشر شده، خیلی رک می‌گوید: «در اوت ۱۹۵۳ مصدق در یک کودتا که از طرف ام‌آی۶ طرح‌ریزی و از طریق سیا اجرا شد، سرنگون شد و ژنرال فضل‌الله زاهدی نخست‌وزیر شد». دیوید اوئن که زمان انقلاب ۵۷ وزیر خارجه انگلیس بود، در هفتادمین سالگرد کودتا به گاردین گفت: «دلایل خوبی برای اذعان به نقش انگلیس به همراه آمریکا در متوقف‌کردن توسعه دموکراتیک در ایران وجود دارد. ما کار نادرستی انجام دادیم و به گام‌هایی که برای توسعه دموکراسی در ایران برداشته می‌شد، صدمه زدیم». او در مصاحبه دیگری با رادیوی ملی آمریکا (ان‌پی‌آر) گفت: «فکر می‌کنم بهترین کار این است که به این مناقشه خاتمه دهیم و آنچه را که همه سال‌ها است درباره کودتا می‌دانند، بگوییم... . تاریخ این کودتا در این کشور کاملا روشن است و کسی آن را رد نمی‌کند». مانتی وودهاوس که در ۱۹۵۱ و ۵۲ رئیس ایستگاه ام‌آی۶ انگلیس در تهران بود، خاطرات پالوده‌شده خود تحت عنوان «کاری که شد» (Something Ventured) از کودتا را در ۲۰۸ صفحه در ۱۹۸۲منتشر کرد. او بعد از قطع رابطه ایران و انگلیس در شهریور ۳۱ کار کودتا را در لندن دنبال می‌کرد و رابط با سیا بود. او در خاطرات خود ضمن اذعان به نقش حیاتی که روزولت در هدایت عملیات کودتا ایفا کرد، می‌گوید شبکه عوامل انگلیس که در اختیار سیا قرار گرفت، به آنها امکان اقدام داد. وودهاوس هم مانند روزولت کودتا را به بهانه مبارزه با کمونیسم توجیه می‌کند. اما کتاب او نیز مانند کتاب روزولت نه‌تنها هیچ شواهدی برای این ادعا ارائه نمی‌کند، بلکه این ادعا با اسناد از محرمانه خارج‌شده آمریکا در ۲۰۱۷ نیز مغایرت دارد. جالب اینکه وودهاوس در کتاب خود این حس را می‌دهد که انگلیس متقلبانه ترس از کمونیسم را برای جلب موافقت آمریکا مطرح و آن را به‌عنوان یک خطر واقعی و فوری جا زد. نورمن داربی‌شایر که بعد از وودهاوس رئیس ایستگاه ام‌آی۶ در تهران شد، به قول روزنامه گاردین طراح کودتا بود و نقشی تعیین‌کننده در موفقیتش داشت. او که فارسی را خوب می‌دانست و حدود ۱۰ سال در ایران بود، بعد از تعطیل‌شدن سفارت انگلیس در تهران در نیکوزیا مستقر شد. او نقش مهمی در جلوگیری از توقف کودتا بعد از شکست اولیه در ۲۵ مرداد بازی کرد. مصاحبه‌ای که او در ۱۹۸۴ برای برنامه «پایان امپراتوری» در تلویزیون گرانادا انجام داد، اگرچه هیچ‌گاه پخش نشد، اما متن کتبی آن به خارج درز کرد. داری‌شایر در این مصاحبه از تلاش برای کشیدن پای آمریکا به برنامه کودتا، نحوه سازمان‌دهی عناصر نظامی و غیرنظامی ایرانی برای کودتا، نحوه پرداخت حدود یک‌ونیم میلیون پوند پول از طرف خودش و نورمن زینر، مأمور دیگر ام‌آی۶، به عوامل ایرانی، هزینه ۷۰۰ هزارپوندی از طرف انگلیس برای کودتا، طرح «تصرف نقاط کلیدی در تهران مثل رادیو و... از طریق واحدهای نظامی که فکر می‌کردیم به شاه وفادارند»، شبکه گسترده برادران رشیدیان، واحدهای نظامی که آماده شرکت در کودتا بودند، تلاش برای واداشتن شاه به عزل مصدق و... می‌گوید.

منابع و متن تفصیلی این مقاله در کانال نگارنده موجود است.

یادداشت

سیاست‌مدار یا تکنسین

ادامه از صفحه اول

دوم عقلانیت اخلاقی که دغدغه حفظ و ارتقای ارزش‌ها و امور اخلاقی را دارد و کارگزار آن جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی‌اند. سوم عقلانیت سیاسی است که منطق آن مصالحه، سازش و آشتی است. کارگزار این نوع عقلانیت سیاست‌مداران و بوروکرات‌ها هستند. منطق پیش‌برنده سیاست‌مداران، هم در اهدافشان و هم در رویه‌هایی که در پیش می‌گیرند، متفاوت از تکنسین‌هاست. با وجود اظهاراتی که سیاست‌مداران در جهت پیشبرد امور صورت می‌دهند، هدف اصلی آنها حفظ یک‌سری نهادها و قواعد خاص یا حفظ جایگاه به لحاظ قدرت و نفوذ، در آن نهاد خاص است تا از آن طریق بتوانند قدرت لازم برای تحقق اهداف و وعده‌های خود را پیدا کنند. به همین دلیل بازیگران سیاسی، بسیار آماده مصالحه، مذاکره، انطباق و چانه‌زنی در مسائل‌اند. سیاست در معنای آرنتی آن به معنای ایجاد هم‌گرایی بین کثرت تقلیل‌ناپذیر اجتماع سیاسی است. هم‌گرایی در میدان عمل سیاسی متکثر، از طریق مذاکره و مصالحه ممکن می‌شود. عقلانیت سیاسی می‌بایست بین عناصر و نیروهای متکثر هم‌گرایی ایجاد کند و این‌گونه است که سیاست خلق می‌شود و کثرت نامتعین اجتماع سیاسی جای وحدت و یکدستی معین را می‌گیرد. در سیاست باید بتوان مصالحه کرد، امتیاز داد و امتیاز گرفت. البته ممکن است امتیازات برابر نباشد. کما اینکه در ارتباط با کابینه دکتر پزشکیان چنین است و نقدهایی به آن وارد شده است، اما نکته مهم آن است که اکنون حضور در سیاست ممکن شده است و از این طریق امید گذر از یکدستی و میدان‌دادن به تکثر جان تازه‌ای می‌گیرد. مسئله مهم آن است که با حضور در سیاست می‌توان به اصلاح و بهبود زمین بازی سیاسی امیدوار بود. کابینه دولت چهاردهم با توجه به واقعیت موجود ساختار سیاسی کشور انتخاب شده است و از این بابت نباید دکتر پزشکیان را به باد انتقادات سخت گرفت. در یادداشتی در زمان انتخابات اشاره کرده بودم که دکتر پزشکیان جمع بین اصلاح‌طلبی و اصولگرایی است. طبیعتا این موضوع خود را در کابینه ایشان نشان داده است. دولت چهاردهم نه با کابینه کاملا محافظه‌کار و نه با کابینه کاملا اصلاح‌طلب و تحول‌خواه نمی‌تواند به موفقیت دست پیدا کند. واقع‌بینی سیاسی کابینه‌ای میان این دو جریان را الزام می‌کند. دولت چهاردهم ممکن است نتواند در زمین فعلی بازی سیاست در ایران کارهای زیادی انجام دهد اما همین که کشور را در مسیر بهبود قرار دهد قابل دفاع است. بر این اساس یکی از معیارهای مهم رفتار سیاسی عقلانی از سوی هر دو جریان (اصلاح‌طلب و اصولگرا) پرهیز از سیاست صفر و یک است. سیاستی که کثرت اجتماع سیاسی را نادیده می‌انگارد. در سیاستِ صفر و یک نتیجه بازی باخت-باخت است. هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان باید بدانند که وضعیت کنونی کشور محصول همین سیاست صفر و یک است. کشور شدن کشور نیازمند گفت‌وگو و مصالحه همه نیروهای سیاسی است. یک تکنسین که مبنای عملش عقلانیت تکنیکی است در ساختن یک سد یا ساختمان به‌راحتی می‌تواند با محاسبات دقیق و هزینه- فایده‌کردن تصمیم مناسب را اتخاذ کند. اما در عرصه سیاست مسئله به‌هیچ‌وجه به این سادگی نیست. سیاست‌مدار با انبوهی از ملاحظات، تعارض منافع، گروه‌های ذی‌نفوذ و... روبه‌روست که موفقیتش در گرو چانه‌زنی و مصالحه با آنهاست. از این منظر ممکن است بتوانیم قدری به شرایطی که دکتر پزشکیان در ارتباط با انتخاب کابینه با آن روبه‌رو بوده است نزدیک شویم و ایشان را درک کنیم. اگرچه بیراه نیست اگر بگوییم چشم‌انداز آتی دولت فراتر از کابینه و بسیار به نحوه تعامل شخص رئیس‌جمهور با مردم وابسته است. شاید راهی که دولت چهاردهم آغاز کرده است کشور را در مسیر بهبود و آرامش قرار دهد. راهی که از منازعه، دوقطبی‌سازی و حذف می‌پرهیزد. نمی‌دانم فقط امیدوارم. دولت را نقد کنیم اما تنهایش نگذاریم.

یادداشت

مصدق، اسطوره مقاومت در عصر فرومایگی

محمد آخوندپورامیری . پژوهشگر مسائل ایران: آن‌گاه که می‌خواهی برای مردمان سرزمینت روایتی گوش‌نواز را زمزمه کنی، روایت قهرمانان را شکوهمندانه در گوش آنها نجوا کن. این فرازی از هیچ کتابی نیست، بلکه قصه مردمان سرزمینی است که تاریخ پرفرازونشیب، شرح شکست‌ها و پیروزی‌ها، اشک‌ها و لبخندها، درس‌ها و تجربیات گران‌سنگی را پیشاروی چشمانشان قرار داده و مهر بیکران نسبت به وطن و بغض بی‌امان نسبت به دشمنان وطن را در قلبشان حک کرده است. در این میان گذرگاه‌های تاریخی همواره محل مناقشه و بحث و نظر اهالی تفکر بوده است. اما در میانه تمامی این قیل و قال‌ها، آنانی که نسبت خدمات و خیانت‌ها را به انصاف بر محک عقل می‌سنجند، ارزشی دوچندان است.

۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نقطه تلاقی همین قضاوت‌ها خواهد بود. دوگانه مصدق/ضدمصدق از دل همین نسبت‌سنجی‌ها بیرون می‌آید. در همین باره باید اذعان کرد که چندصباحی است برخی عَلَم بی‌انصافی را آنچنان بلند کرده‌اند که گویی پرده‌ای ضخیم پیش‌روی چشمانشان قرار گرفته است. مصدق محصول دوران بعد از انقلاب مشروطه است، با همه سیه‌روزی‌های داخلی و خارجی، برآمده از آثار ویرانگر دو جنگ جهانی و تحقیر تاریخی ناشی از تسخیر و تجاوز به مام میهن. تحقیری که همواره به عوام‌الناس به چشم بردگان تاریخ می‌نگریست. نفتی که به ثمن بخس به تاراج برده می‌شد و اجازه نطق‌کشیدن هم از رعایا سلب شده بود. پیش‌تر در مقاله‌ای در روزنامه «شرق» بیان کردم که ثمره مدرنیته برای ما ایرانیان، به جای آنکه محرکی در جهت پویایی دستگاه معرفتی‌مان باشد، به تن‌آسایی و پیروی کورکورانه از انباشتگی دستگاه معرفتی جهان غرب بدل شد. در این میان کم نبودند بدسگالانی که پیوسته در پی تحمیل این باور بودند که شما ایرانی‌ها چیزی جز مشتی مقلد نیستید و اساسا شما را چه به تئوری‌پردازی و سامان بدیع از دلِ نظمی کهن؟ حکایت نفت و نهضت ملی‌شدن صنعت نفت، حکایت دور و درازی دارد، از قرارداد دارسی بگیر تا قرارداد ننگین ۱۹۳۳، از برآشفتگی رضاشاه از خیانتی که پیشینیان در نگارش قراردادهای نفتی روا داشته‌اند بگیر تا لکه‌های ننگینی که به ناروا بر پیشانی امثال تقی‌زاده، تیمورتاش، داور و... به عنوان بانیان قرارداد نفتی ۱۹۳۳ زده شد. مصدق‌السلطنه دقیقا از پی همین تداوم تحقیر تاریخی ایرانیان توسط بیگانگانی ظهور کرد که اساسا گردن‌کشان نفت و منابع طبیعی را جزء مایملک خود می‌پنداشتند و به بهایی ارزان می‌بردند تا مواد خام لازم برای رشد صنایع خود را فراهم کنند. سپس کالاهای تولیدشده خود را به بهایی چندبرابر به شهروند بخت‌برگشته جهان‌سومی بفروشند تا چرخه استثمار و استعمار مستقیم و غیرمستقیم خود را تولید و بازتولید کنند.

اما شگفتا که با وجود تمامی اسناد، مدارک و روایت‌های تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از دوران قبل و بعد از ملی‌شدن صنعت نفت ایران، باز عده‌ای آنچنان گوش خود را گرفته‌اند و چشمان خود را بسته‌اند که نگو و نپرس. برای ما از منطق عقلانیت محاسبه‌گرایانه‌ای سخن می‌گویند که اگر خوب در آن ریز شوی، به چیزی جز تداوم تحقیر تاریخی و سرفرودآوری در برابر زیاده‌خواهی‌های بیگانگان نخواهی رسید. حال پرسش اساسی اینجاست که عقلانیت متعالی و متجلی این دوستان، تا کجا قرار بود که در برابر تجاوزگری‌های دول روس و انگلیس سر خم کند؟ تا کی قرار بود نفت ما را به بهایی اندک‌مایه ببرند و ما دم نزنیم؟ شگفتا که همین جماعت خود را به خواب زده همواره بیان می‌کنند که چرا مصدق پیشنهادات بانک جهانی و چه و چه را نپذیرفت؟ در جواب این دوستان باید اذعان کرد که اساسا این پیشنهادات سخاوتمندانه قبل از شروع نهضت ملی‌شدن صنعت نفت کجا بودند؟ چرا پیش از همه آن حق‌طلبی‌ها و زیر بار زور نرفتن‌ها چنین الطافی را نثار دولت و جامعه ایرانی نمی‌کردند؟ اگر هویت‌بخشی و تزریق خون تازه به رگ‌های ملت توسط مصدق و فاطمی نبود و قرار بود با همان عقلانیت این جماعت معلوم‌الحال پیش می‌رفتیم که صدها سال دیگر نیز باید نفتمان را مفت مفت می‌فروختیم و چشممان به خوان کرم دول متخاصم شرق و غرب می‌بود و هرچه بر سرمان می‌زدند، دم برنمی‌آوردیم. نتیجه بحث آنکه اسطوره مصدق (با همه کم و کاستی‌هایش) هنوز هم کار می‌کند و کارویژه‌های خود را به خوبی ایفا می‌کند. در زمانه‌ای که همچنان نیاز مبرمی به باورمندی سترگ نسبت به توانمندی‌های سرشار نسل ایرانی پسامدرنیته وجود دارد، روایت اسطوره‌ها و قهرمانان در سیاه‌ترین دوران‌های تاریخی، همان خون تازه‌ای است در رگ‌های تک‌تک آحاد ملت. روایت مصدق و مصدقیان تلاشی قهرمانانه در برابر عقلانیت زنگ‌زده جماعتی است که هیچ‌گاه حاضر به بیداری از خواب خرگوشی خود نبوده و نیستند. به همین مناسبت بر همه ما فرض است تا یادمان تمام قهرمانان ملی خود را شکوهمندانه گرامی داشته و جشن بگیریم و چونان فاطمی‌ها و صدیقی‌ها، پشت مصدق‌های زمانه خود بایستیم و نام ایران و ایرانی را بر فراز جهان هستی طنین‌انداز کنیم.

ایران؛ برکنار شویم از چپ‌گرایی

محمود اشرفی: خداوند کشور ما را از چپ‌ها و چپ‌گرایی مصون بدارد. اپیدمی چپ‌گرایی با سرعت شایان تأملی در جهان در حال گسترش است. آنها در پس شعارهای عدالت‌جویانه خود هیچ برنامه مشخصی برای بهبود جامعه بشری ندارند. چند دهه پیش با فروریختن دیوار کشورهای سوسیالیسم چپ‌گرایان نوین مخالفت با جهانی‌شدن را هدف اصلی خود اعلام کردند، اما اکنون هیچ برنامه و شعار مشخصی ندارند. چپ‌گرایان بر آنند تا بر امواج هرج‌ومرج جهان را به سوی آنارشی سوق دهند.

سوسیالیسم و گام بعدی آن کمونیسم، پس از چندین دهه چیرگی در اتحاد جماهیر شوروی، ناکارایی خود را نشان داد. چین اکنون پوسته حزب کمونیست را بر دوش داشته و بزرگ‌ترین سوداگر بازار جهانی است. دوران سوسیالیسم سپری شده، اما پاره‌ای از فرهنگ آن بر جا مانده است. این میراث خود را در چپ‌گرایی این سوی و آن سوی جهان نشان می‌دهد؛ فرهنگی که عمدتا بر جانبداری از افراطی‌گری و آشوب‌طلبی استوار است. دفاع روسیه و چین که به دامان سرمایه‌داری خزیده‌اند از چپ‌گرایان در شرق و غرب درخور تأمل است. چپ‌گرایان در گذشته راه و رسم تدوین‌شده‌ای داشتند؛ الگوهای اقتصادی مشخص و تلاش برای درهم‌تنیدن احزاب برادر. بااین‌حال، اکنون چپ‌ها هیچ میثاق مشخصی ندارند. نیم‌نگاهی به مسائل محیط زیست و حقوق مهاجران دارند، اما بیشترین تلاش چپ‌گرایان آشوب‌آفرینی و جانبداری از افراطی‌گری و حرکت در راستای آنارشی است. طیف چپ از یک سو مخالفت خود را با نژادپرستی اعلام می‌کند و از سوی دیگر به تنش‌های قومی دامن می‌زند. تنش در سرشت چپ‌گرایان بی‌خانمان است. درباره انسان‌دوستی داستان‌سرایی دارند، اما در بسیاری از اختلالات سامانه‌های رایانه‌ای جهان مشارکت دارند؛ سیستم‌هایی که جان و امنیت مردم وابسته به آنهاست. چپ‌گرایان سرگردان از آمریکا تا خاورمیانه و شرق دور در تکاپوی برهم‌زدن امنیت و ایجاد آشوب هستند. روسیه‌ای که دیگر سوسیالیست نیست و چین، بزرگ‌ترین حامیان چپ‌گرایان نوین‌اند. چپ‌گرایان پراکنده در جهان، به‌مثابه ابزار فشار دولت‌های چین و روسیه در رقابت با آمریکا و اروپا هستند. گستره نقش‌آفرینی چپ‌ها از انتخاب ایالات متحده آمریکا تا تنش‌های خاورمیانه است، اما در پس پشتیبانی چپ‌گرایان از درگیری‌های قومی، هیچ قصد و تمایلی برای آرامش و برقراری حقوق اساسی قومیت‌ها وجود ندارد. چپ‌ها تنها هدف افزایش بحران از طریق تنش‌زایی و دامن‌زدن به اختلاف‌ها را پیش‌رو دارند.

یادداشت

کودتای ۲۸ مرداد و آرمان‌های مشروطه

ادامه از صفحه اول

از نگاه مصدق، اصل ۳۵ متمم قانون اساسی که می‌گفت «سلطنت ودیعه‌ای است که به موهبت الهی از طرف مردم به شخص شاه مفوض شده»، یعنی این مردم هستند که به شاه قدرت می‌دهند و در اصل ۴۴ متمم قانون اساسی باز هم تأکید شده بود شاه هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد، بلکه دولت مسئول است و وزرا در برابر مجلس باید پاسخ‌گو باشند و اصل ۳۳ متمم قانون اساسی مقرر می‌کرد که «مجلسین [شورای ملی و سنا] حق تحقیق و تفحص در هر امری را دارند» و در این ماده حتی شاه هم استثنا نشده بود. مصدق معتقد بود مطابق اصل ۴۵ متمم قانون اساسی، «حتی دستخط پادشاه وقتی قابل اجراست که به امضای وزیر مربوطه رسیده باشد». و طبق اصل ۵۶ متمم قانون اساسی، «مصارف و مخارج دستگاه سلطنتی باید قانونا معین باشد». همچنین بر اساس اصل ۶۴ متمم قانون اساسی، «وزرا نمی‌توانند احکام کتبی و شفاهی شاه را مستمسک قرار دهند و از خود سلب مسئولیت نمایند». این چیزی بود که مصدق تا پایان عمر به آن پایبند بود.

او فرزند مشروطه بود و در مشروطه بالیده بود و دل در گرو اصول آن داشت و در ماجرای ملی‌شدن صنعت نفت نیز تنها او بود که با فهم عمیق از آرمان‌های مشروطه، می‌توانست آرزوهای دور و دراز ملت را در این مسیر نمایندگی کند. از این منظر شاید بهتر بتوان جملات ابتدایی این نوشتار از قول دکتر محمدعلی موحد را درک کرد. با این نگاه، مصدق عصاره آرمان‌های مشروطه بود که به دنبال تحقق آرمان‌های مشروطه بود و کودتای ۲۸ مرداد به عبارتی دخالت خارجی بود در به بن‌بست کشاندن آن آرمان‌ها و آرزوها و بیخود نبود که دکتر ناصر تکمیل‌همایون در توصیف کودتای ۲۸ مرداد گفته بود «من به‌عنوان کسی که تاریخ ایران را بارها مطالعه کرده‌ام می‌گویم هیچ حادثه‌ای در تاریخ ایران مخرب‌تر از کودتای ۲۸ مرداد نبود».

بازار مسکن استیجاری و مداخله‌ای دیرهنگام

ادامه از صفحه اول

نکته تأمل‌برانگیز دیگر، دقتی است که قانون درباره حفظ حقوق مالکان و تضمین منافع آنان به کار برده است. درصورتی‌که مستأجر به تعهدات خود عمل نکند، مالک علاوه بر اینکه مانند گذشته به سهولت می‌تواند مستأجر را از ملک خود اخراج کند، بلکه می‌تواند درباره مطالبات غیرقابل پرداخت خود نیز حکم واجب‌الاجرا بگیرد! و دیگر نیازی نیست مثل گذشته با صرف‌نظر از مطالبات خود، به تخلیه ملک اقدام کند. علاوه‌براین «بدحسابی» مستأجر در پرونده او ثبت شده و به اطلاع مالک بعدی خواهد رسید! درواقع قانون به افلاس گروهی از کم‌درآمدترین مستأجران که دقیقا به دلیل بی‌عملی دولتمردان در حوزه مسکن شکل گرفته، هیچ اعتنا و توجهی ندارد. نگارنده قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها را با وجود کاستی‌های متعدد قدمی به جلو تلقی کرده و با این حال دست‌اندرکاران را به بررسی بیشتر، اجرای دقیق و بدون تنازل قانون به نفع جمعیت مستأجر و اصلاح تدریجی قانون توصیه می‌کند.

مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
خرید تیوب کوره

PGSOC
Persian Gulf Star Oil Company
شرکت نفت ستاره خلیج فارس (سهامی عام)

شماره مناقصه: PGSOC-LEC-FURNACE TUBE-TE-02466

شرکت نفت ستاره خلیج فارس (سهامی عام) در نظر دارد خرید ۷۲۰ متر تیوب کوره (تعداد ۱۲۰ شاخه تیوب با اندازه ۵ اینچ و طول هر شاخه ۶ متر) را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به تولیدکننده/تأمین کننده واجد شرایط واگذار کند، بنابراین از همه شرکت‌های معتبر دعوت می‌شود برای تهیه اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۰۳ تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۱ با ارسال نامه، اعلام آمادگی خود را (مطابق دستورالعمل مکاتبات مندرج در وبگاه شرکت نفت ستاره خلیج فارس سربرگ مناقصات به آدرس WWW.PGSOC.IR) به همراه فیش خرید اسناد را از طریق پست الکترونیکی ارسال کنند.

هزینه خرید اسناد: ۲،۰۰۰،۰۰۰ (دو میلیون) ریال واریزی به حساب شماره ۰۲۲۳۹۰۳۸۱۱۳۴۸ بانک تجارت با شماره شبا IR۵۱۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۲۲۳۹۰۳۸۱۱۳۴ به نام شرکت نفت ستاره خلیج فارس (متقاضیان به منظور دریافت شناسه اختصاصی پرداخت می‌بایست با بخش خزانه امور مالی به شماره ۳۱۳۱۲۶۶۰-۰۷۶ و ۳۱۳۱۳۳۵۷-۰۷۶ تماس حاصل فرمایند.)

میزان ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه: مبلغ ۵،۷۵۰،۰۰۰،۰۰۰ (پنج میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون) ریال. (در این مرحله ضمانت‌نامه دریافت نمی‌شود)

میزان پیش پرداخت: ۵۰ درصد مبلغ کل قرارداد در قبال دریافت ضمانت نامه بانکی معتبر

مدت قرارداد: ۱۰ ماه

مهلت تسلیم بسته پیشنهادی مناقصه (پیشنهاد فنی و ارزیابی کیفی): تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

محل تسلیم بسته پیشنهادی مناقصه و محل تحویل کالا: بندرعباس، کیلومتر ۱۳ محور بندرعباس به بندر خمیر، بلوار صنعت نفت، میدان نفت، بلوار خود کفایی، شرکت نفت ستاره خلیج فارس، امور حقوقی و قراردادها.

تلفن: ۳۱۳۱۰۰۰۰-۰۷۶ داخلی ۳۷۰۶، دورنگار: ۳۱۳۱۳۱۳۱-۰۷۶، کدپستی: ۷۹۳۱۱۸۱۱۸۳، ایمیل: Legal@pgsoc.ir

روابط عمومی و بین الملل شرکت نفت ستاره خلیج فارس

۴۲۹۴